



حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با خانواده مرحوم "حاج عبد الله والی" (1) که در ایام سالگرد درگذشت وی انجام شد، با اشاره به آثار اخلاص و برکات استقامت در کار، خاطر نشان کردند: کارهای خالصانه و بی هیاهو در کل بنای جمهوری اسلامی اثر می گذارد و آن را مستحکم می کند.

متن زیر چکیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اخیر با خانواده مرحوم حاج عبد الله والی است:

بسم الله الرحمن الرحيم

مرحوم آقای حاج عبد الله والی یکی از آدمهایی است که قطعاً در تاریخ انقلاب و تاریخ کشور اسمش خواهد ماند و نامش به نیکی یاد خواهد شد؛ خداوند درجاتش را عالی کند.

من با اینکه ایشان را از نزدیک ندیده بودم و هیچ یادم نمی آید که با ایشان ملاقاتی داشته باشم، اما دورادور ایشان را می شناختم، می دانستم که در بشاگرد مشغول خدمات با ارزشی هستند. منطقه را هم من می شناختم، به قول خودشان، بشگرد. ما ایرانشهر که بودیم، از منطقه های دلگان و بشاگرد و میناب - چون دلگان سر راه بشاگرد به ایرانشهر است، همه اش سر راه میناب است - بعضی از دوست و آشناهای ما با زحمت این راه سخت و طولانی را طی می کردند و به دیدن ما می آمدند. از بشاگرد گاهی پیش من می آمدند.

یک وقت از آنجا یک پیرمردی آمد که یک جنبه روحانی داشت - اهل علم نبود، یک پارچه سفیدی سرش پیچیده بود - یادم هم نیست اسمش چه بود. آمد و از فقر آن مردم شکایت می کرد. یک عبارتی بکار برد که از بس من خوشم آمد، بعد از سی و چند سال، تا حالا یادم مانده. گفت: آنجا "های های آب است و وای وای نان!" آن طرف های دلگان آب زیاد است، ولی زمین نیست، در نتیجه نان نیست. قبل از انقلاب مثل اینکه اینجا بکل وجود خارجی نداشت، یعنی دستگاههای حکومتی اصلاً به آنجا اعتنایی نداشتند.

آنوقت بعد از انقلاب، یک مرد جوان مؤمن انقلابی پا می شود می رود آنجا، همه دلبستگی هایش را، از شهر و خانه و زندگی، به مرکز مأموریت منتقل می کند و برادرهایش را هم می کشاند، دنبال خودش می برد. شماها هم انصافاً ایستادید.... شما زندگی و خانواده و زن و بچه و مادر و پدر و همه اینها را گذاشتید اینجا، رفتید آنجا بی سرو صدا مشغول خدمت شدید، نه جایی ثبت کردید، نه جایی تابلو زدید. بعضی ها هستند، هر کاری می خواهند بکنند، قبل از اینکه کار انجام بگیرد، تابلویش را می زنند! مدتها این تابلو آنجاست، هیچ کاری هم انجام نگرفته. بعضیها هم نه، کار را انجام می دهند، هیچ تابلویی هم ندارد. کار مرحوم حاج عبد الله والی و شماها از این نوع دوم است، یعنی بی تابلو رفتید و برای خدا کار واقعی کردید، اینها خیلی با ارزش است. شما بدانید، اینجور کارهای بی سرو صدا و خاموش و خالصانه، نه فقط برای شما پیش خدای متعال درجه و مرتبه درست می کند، بلکه در کل بنای جمهوری اسلامی اثر می گذارد، مثل سیمانی است که در یک بنایی تزییق کنند و آنرا مستحکم کنند. با انجام اینجور کارهای مخلصانه، بنای جمهوری اسلامی مستحکم می شود بدون اینکه کسی بفهمد. یعنی وقتی در گوشه و کنار کشور، در بین مردم،



کسانی هستند که کار را برای خدا می کنند، کار را مخلصانه انجام می دهند، دنبال هیاهو و جلب نظر این و تحسین آن نیستند، یکی از خواصش این است که اصلاً خود این بنا را مستحکم می کند، مثل رومی که در یک کالبدی \_\_\_ بدمند. بنابراین، این کارهای شماها اینجور ارزش دارد ...

این اخلاص و تداوم کار، خیلی ارزش دارد. ببینید، در این کارهای معنوی و توسلات و دعا و ذکر و اینها هم روایت داریم که کار را تداوم بدهید. در روایت دارد که حداقل مدتی که شما یک عملی را انجام می دهید، یک سال باشد. فرض بفرمایید شما بنا می گذارید یک نمازی را که مستحب است، هر شب یا در شب معین خودش در هفته، بخوانید. می گویند حداقل یک سال این را ادامه دهید، هرچند بهتر این است که انسان تا آخر عمر ادامه بدهد. یعنی تداوم، یک عنصر جدیدی است غیر از خود اصل شروع عمل. "فلذلك فادع و استقم كما امرت" (2). استقامت، یعنی همین کار را در همان خط و جهت درست دنبال کردن الحمدلله شما استقامت کردید...

این را هم من به شما خانمها- بخصوص همسران- بگویم؛ بخش عمده از ثواب کاری که انجام می گیرد، مال شماست، چون شماها اگر چنانچه همراهی نمی کردید، نق می زدید، دعوا می کردید- این چه وضعی است؟ این چه زندگی ای شد؟ شما که اینجا پیداتان نمی شود- مردان شما دیگر طاقت نمی آوردند. بالاخره هر چه هم آدم انگیزه داشت، دیگر نمی توانست. این همراهی شماهاست که به اینها دل داد، جرأت داد، و رفتند؛ اینها خیلی مهم است... والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

1- حاج عبدالله والی را می توان یکی از اسوه های درخشان عمل و اقدام جهادی دانست که در لبیک گویی به اشاره حضرت امام (ره) که فرموده بودند: "به داد بشاگرد برسید!" به منطقه دور افتاده و محروم بشاگرد هجرت کرد.

حاج عبدالله والی در عمل به تکلیف، سالها با بشاگردی ها نفس کشید و با آنان زندگی کرد. وی در بیست و سه سال خدمت و تلاش مخلصانه این دیار محروم را به آبادانی نسبی رساند به طوری که حقیقتاً می توان او را نمادی از "مدیریت جهادی" دانست. این هجرت و جهاد عظیم، سال 1361 آغاز و در هشت اردیبهشت 1384 با رحلت او پایان گرفت. روحش شاد

2- شوری: 15